

تأثیر عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بر نقش ارتش در ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه

- حسین چراغی^۱
- دکتر رضا دلاوری^۲
- دکتر محمد ولیا بیدگلی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

مقاله علمی-پژوهشی

شماره صفحات: ۶۷ الی ۷۷



DOI: 10.22034/wasj.2024.426009.1024

چکیده:

پس از حدود چهاردهه از گام ابتدایی یعنی موافقت نامه آنکارا، هنوز روابط ترکیه و اتحادیه اروپا در کش و قوس پیرامون صلاحیت ترکیه برای ورود به اتحادیه قرار دارد. این رابطه تحولات بسیاری را در دهه های اخیر به خود دیده است و همچنان ابهام و عدم قطعیت درباره سرانجام این رابطه وجود دارد. ترکیه که از گذشته جزء متحدان استراتژیک اتحادیه اروپا به شمار می رود، در فرایند عضویت در اتحادیه اروپا می باشد و مذاکرات سینوسی طرفین، چارچوب غالب در روابط دوجانبه بوده است. در این راستا، نقش کنونی ارتش در سیاست های ترکیه به عنوان مهمترین بخش از روند عضویت در اتحادیه اروپا بوده است، که برآیندی از سال های گذشته می باشد، به طوریکه ارتش خود را حافظ جمهوری و اصول آن در ترکیه می داند. این ویژگی به دلیل اینکه کاملاً در تقابل با اصول اتحادیه اروپا در مخالفت با دخالت نظامیان در سیاست است، به معمای پیچیده ای در روابط دوجانبه ترکیه-اتحادیه اروپا بدل شده است. بر این مبنای، در فرایند عضویت ترکیه، اتحادیه اروپا به شدت دنبال اصلاح روابط نظامیان با غیرنظامیان، و کنترل غیرنظامیان بر نهادهای نظامی در ترکیه بوده است. این روند با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه با سرعت بیشتری در حوزه های داخلی و خارجی ادامه داشته است. در این راستا، کاندیداتوری ترکیه در اتحادیه اروپا چه تاثیری بر نقش سنتی ارتش در ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه داشته است؟ در واقع، برنامه های اصلاحی اتحادیه اروپا در موضوع کاندیداتوری ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه منجر به اصلاح و کاهش نقش ارتش در این کشور شده است.

کلید واژه‌ها: اتحادیه اروپا، ترکیه، دموکراتیک‌سازی، فرایند عضویت، حزب عدالت و توسعه.

۱ کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای، پارک علم و فناوری استان قم، ایران (نویسنده مسئول). ایمیل: cheraghiossein23@gmail.com
 ۲ استاد مدعو گروه مدیریت، دکتری علوم سیاسی، دانشگاه طلع مهر قم، ایران.
 ۳ استادیار گروه مدیریت، دانشگاه طلع مهر قم، ایران. ایمیل: valia@ut.ac.ir

مقدمه

پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا از اصلی‌ترین مسائل در سیاست خارجی ترکیه و یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در حوزه سیاست خارجی اروپا بوده است. در واقع بسیاری از مشکلات ترکیه در راه پیوستن به اتحادیه اروپا، به جامعه، هویت، ملیت، رهبران کنونی و بنیان گذاران این کشور باز می‌گردد. (پارسایی: ۱۳۹۵: ۲). شک و تردید افکار عمومی در نظرسنجی‌ها به میزان بالایی وجود دارد. کشورهای آلمان، فرانسه، و حزب دموکرات- مسیحی پارلمان اروپا از مخالفان اصلی عضویت هستند. محدوده وسیعی از مشکلات اقتصادی، جمعیتی، سیاست داخلی، مشکلات دموکراتیک سازی و حقوق بشر روند پذیرش در اتحادیه اروپا را تحت تاثیر قرار داده است. باین حال، تحت فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، مذاکرات پذیرش و اصلاحات، قانون گذاری و اقدامات مختلف اقتصادی و سیاسی هرچند با موانع بسیار، اما در جریان بوده است (Kirisci: ۲۰۰۵: ۵-۲).

در این راستا، نقش ارتش در سیاست‌های ترکیه، مهمترین موضوع در فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بوده است. بر این اساس، کنترل دموکراتیک بر ارتش ترکیه در مرکز توجهات برنامه‌های اتحادیه اروپا می‌باشد. با هدف دستیابی به این هدف مهم، اصلاحاتی عمیق در جریان بوده است. با این حال، موضوع کنترل دموکراتیک بر ارتش تحت تاثیر موانع بلندمدت همانند میراث امپراطوری عثمانی، تحول، نهادسازی و مدرن سازی ارتش، و قانون اساسی ترکیه (حافظ جمهوری و اصول آن) نیز بوده است. این ویژگی‌ها به دلیل اینکه اصول اتحادیه اروپا دقیقاً مخالف جهت ارتش قرار دارد، به معنایی در روابط ترکیه-اتحادیه اروپا بدل شده است. دلیل تاکید اتحادیه اروپا بر کاهش نقش ارتش در سیاست به معیارهای اصلاحی کپنهاگن در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و سایر شرایط عضویت برمی‌گردد. به طوری که بعد از کاندیدا شدن ترکیه در اتحادیه اروپا، مهمترین انتقاد در گزارش‌های سالانه پیشرفت، موضوع کنترل دموکراتیک بر ارتش بوده است. (Yildrum, ۲۰۰۸: ۲-۳) در دهه ابتدایی قرن بیست و یکم با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه^۱، روند اصلاحات مدنظر اروپائیان با سرعت و جدیت بیشتری دنبال شد، و تحولات درونی ترکیه نیز در حوزه سیاسی، اقتصادی و غیره، سیاست خارجی این کشور را یز بی تاثیر نگذاشته است (پارسایی: ۱۳۹۵: ۱). هدف این مقاله بررسی این موضوع است که فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا در دوران حزب عدالت و توسعه چه تاثیری در نقش ارتش در ترکیه داشته است، و اعتقاد دارد در فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا در دوره زمامداری حزب عدالت و توسعه، قدرت ارتش در ترکیه به میزان قابل توجهی کاهش یافته است.

مبانی نظری نهادگرایی

حقیقت آن است که حتی در حال حاضر نیز اجماعی در خصوص تعریف نهاد وجود ندارد، ولی بدون داشتن درک مناسب از اینکه یک نهاد و یک سازمان چیست، نمی‌توان تحلیل نظری و تجربی مناسبی از این مفهوم داشت (مشهدی احمد: ۱۳۹۲: ۴). نهادگرایی نوعی تجزیه تحلیل است که نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را مورد تاکید قرار می‌دهد و آن‌ها را شکل می‌دهد. نهادگرایی در واقع نقدی است بر اقتصاد نئوکلاسیک، به نظر نهادگرایان نوکلاسیک‌ها فضاهای غیر اقتصادی را نادیده می‌گیرند، و مسائل اجتماعی و حقوقی را نادیده می‌گیرند. از قرن ۱۹ حرکت به سمت نهادگرایی شروع شد، و ضعف اندیشه‌های نئوکلاسیک منجر به برآمدن نظریه‌های نهادگرایی شد (روزنامه اعتماد، ۱۳۹۳). از نظر نهادگرایان، تمرکز بر نهادها و تاثیر

آن در کنترل سایر حوزه‌ها یک امر عادی محسوب می‌شود. در واقع یک رابطه علی میان چارچوب‌های قانونی-نهادی رسمی با رفتار سیاسی وجود دارد (محلوجی، مسعودنیا، شهرام نیا، ۱۴۰۰: ۴). داگلاس نورث از نهادگرایان برجسته و برنده جایزه نوبل نهاد را این گونه تعریف می‌کند؛ نهادها قواعد بازی در جامعه‌اند. به عبارت سنجیده‌تر، قیودی وضع شده از جانب نوع بشرند که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند و موجب نظام‌مند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشر می‌گردند. در این تعریف هم نوع رسمی، مانند قانون اساسی و هم نوع غیررسمی، مانند حقوق عرفی، قرار می‌گیرند (رمضانی، میرفردی: ۱۳۹۳: ۳).

نهادهای بین‌المللی به شکل‌گیری دستور کار بین‌المللی کمک کرده، و به عنوان عاملی تسریع کننده برای تشکیل گروه‌ها و ائتلاف‌ها و بروز ابتکارات سیاسی و برقراری پیوند عمل می‌کنند (کوهکن: ۱۳۹۸: ۴). نهادگرایی نوین تا حد زیادی نظریه‌های خود را محدود به اجرایی شدن و عملیاتی شدن کرده است، و جنبه عملگرایی تری در اقتصاد داشته است (رمضانی، میرفردی: ۱۳۹۳: ۳). نهادگرایی شامل رویکردهای متعددی می‌باشد، که نهادگرایی هنجاری، نهادگرایی تاریخی، نهادگرایی نوین، نهادگرایی ساختارگرا و نهادگرایی عقلایی از انواع آن هستند (پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۳).

اروپایی شدن و دموکراتیک سازی، فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا

ترکیه همواره متحدی استراتژیک برای اتحادیه اروپا و کاندیدا برای پذیرش در اتحادیه اروپا بوده، و اقتصاد پویای این کشور امتیازات مثبتی برای قاره اروپا در پی داشته است. موقعیت جغرافیایی و استراتژیک این کشور اهمیت همکاری‌های بیشتر در حوزه‌های مختلف از جمله مهاجرت، انرژی و امنیت را برجسته می‌سازد. فرایند پذیرش منظم بر اساس اصلاحات مد نظر اتحادیه اروپا پایگاه مهمی برای مشارکت بیشتر در حوزه‌های امنیتی، سیاست خارجی، فرصت‌ها و تقویت حوزه‌های مختلف اقتصادی، امنیت انرژی، مهاجرت و حوزه قضایی و غیره، فراهم کرده است. در این شرایط، اتحادیه اروپا به عنوان مرکز کنترل اصلاحات اقتصادی و سیاسی در ترکیه مورد تاکید قرار گرفت. (Turkey progress report, ۲۰۱۴: ۲). به عنوان بخشی از فرایند عضویت، ترکیه در این دوران مسئولیت اجرای بخشی از سیاست‌های منطقه ای اتحادیه اروپا را نیز بر عهده داشته است (رسولی، پایبوردی، دلیر: ۱۳۹۱: ۳). همکاری‌ها، اصلاحات، مذاکرات فشرده و تعدیل ایدئولوژی «اروپاگرایی ۲» از سال ۲۰۰۰ در ترکیه شکل گرفت، و با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ با سرعت ادامه یافت (Kirisci, ۲۰۰۵: ۱).

همکاری‌ها و مذاکرات در تعدادی از زمینه‌های مشترک از جمله، اصلاحات سیاسی، در هماهنگی با برنامه‌های انطباق، حوزه سیاست خارجی، ویزا، جابجایی و مهاجرت، تجارت، انرژی، تروریسم، مشارکت در برنامه‌های مختلف اتحادیه اروپا، وجود داشته و روند پذیرش بین ترکیه- اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۲ با قدرت بیشتری ادامه یافته است. با این حال کمیسیون نگرانی خود در حوزه‌های حاکمیت قانون و حقوق اساسی را اعلام کرده است. این موضوع محل همکاری‌های بیشتر و مذاکرات عمیق تر ترکیه با اتحادیه اروپا بوده است (Turkey progress report, ۲۰۱۴: ۱۱-۱۲).

علاوه بر این، روابط ترکیه و اتحادیه اروپا در تحولات منطقه ای و مشارکت مستمر ترکیه در ماموریت و

عملیات سیاست مشترک امنیتی دفاعی اروپا^۳ (CSDP)، و برنامه حضور در ماموریت حفظ صلح در کشور چاد^۴ و کشور لیبی^۵، و غیره، ادامه دارد. نقش ترکیه در سوریه برای جلوگیری از سرایت ناآرامی‌ها به مناطق دیگر، مقابله با دولت اسلامی شام و عراق^۶، همچنین کمک‌های بشر دوستانه به مردم و موضوع پناهجویان حیاتی می‌باشد. این همکاری‌ها منطبق با تلاش‌های بیشتر ترکیه برای اقدامات مدنظر اتحادیه اروپا و موضوع مقابله با تروریسم می‌باشد (Turkey progress report, ۲۰۱۴: ۲). با این حال، موضوعات مرتبط با ناسیونالیسم مبتنی بر قومیت ترک و تلاش برای امحاء خرده هویت‌های دیگر مخصوصاً کردها در کنار نقش پررنگ نظامیان در سیاست و ماجراجویی نظامیان در سیاست خارجی ترکیه در مواردی چون قبرس و یونان و در نهایت عدم ثبات اقتصادی از مهمترین چالش‌های فراروی عضویت این کشور در اتحادیه اروپا بوده است (پارسایی: ۱۳۹۵: ۲).

اصلاحات سیاسی، اقتصادی، قانونی؛

سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ ترکیه با شدیدترین بحران اقتصادی و مالی خود در طول تاریخ جمهوری مواجه بود. به موازات بحران اقتصادی، فضای سیاسی دوباره ملتهب و حساس شد، اصلاحات دموکراتیک مرتبط با فرایند الحاق به اتحادیه اروپا، اختلافات میان احزاب دولت ائتلافی را بیشتر کرد. در این دوره، حزب اقدام ملی، روند اصلاحات مربوط به مسائل حساسی چون حقوق بشر کردی، پخش برنامه‌های رادیویی-تلویزیونی به زبان کردی، لغو مجازات اعدام، و کاهش نقش ارتش در سیاست را مسدود یا کند کرد. همزمان با مشکلات جسمی نخست وزیر اجویت و استعفای برخی وزرا و کاهش اعتماد عمومی به دولت، انتخابات زودهنگام در نوامبر ۲۰۰۲ برگزار شد، انتخاباتی که به روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه منجر شد.

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، تغییرات اساسی در سیاست داخلی و خارجی ترکیه به وقوع پیوست. این دوره با سرعت بخشیدن به روند اروپایی شدن این کشور و انجام اصلاحات گسترده اقتصادی و سیاسی همراه بوده است، و در حوزه سیاست خارجی نیز تمرکز بیشتر این کشور بر قدرت نرم و رهیافت‌های «اولویت دیپلماسی» می‌باشد. (برزگر، مفیدی: ۱۳۹۳: ۷).

در نوامبر ۲۰۰۰، اتحادیه اروپا سند مشارکت الحاق، شامل اصلاحات مد نظر «شاخص‌های سیاسی کپنهاگن» را ارائه کرد. ترکیه به میزان بالایی معیارهای برنامه ریزی شده را احصاء کرده است. این پیشرفت‌ها بعد از سه سال مذاکرات فشرده و تعدیل ایدئولوژی «اروپاگرایی» در ترکیه شکل گرفت. این شرایط با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه با سرعت ادامه یافت (Kirisci, ۲۰۰۵: ۱). در دوران پس از اجلاس هلسینکی، شاهد بازتعریف سیاست‌های داخلی به عنوان نتیجه افزایش تمایز در سطح بازیگران داخلی ترکیه بوده ایم. در این مدل، ارتش، حزب عدالت و توسعه، و مشارکت در حال افزایش سازمان‌های غیردولتی در فرایندهای سیاسی ترکیه به عنوان عوامل داخلی تاثیرگذار بر این فرایند بوده اند. (برزگر، مفیدی: ۱۳۹۳: ۸).

در این راستا، محققان حوزه دموکراسی و مدرنیته، همانند لرنر و لیپست^۷ معتقدند که آینده کشورهای غیرغربی همانند کشورهای توسعه یافته خواهد بود. در واقع، نظریه‌های دموکراتیک سازی به دنبال تغییرات بنیادین و گسترده در ماهیت یک سیستم سیاسی اقتدارگرا به دموکراسی هستند. قابل ذکر می‌باشد چارچوب دموکراسی

3 Common European Defence Security Policy CSDP

4 EUFOR CAR Tchad

5 EUBAM LIBYA

6 The Islamic State of Iraq and Syria ISIS

7 Lerner and Lipset

در ترکیه بیش از دموکراسی کثرت‌گرا به سمت دموکراسی چندحزبی محدود و کنترل‌ی بوده است. ارسطو بیان می‌دارد که در دنیای واقعی سیاست که دموکراسی قابل تحمل‌ترین نوع حکومت می‌باشد که حداقل افراد بیشتری از حاکمیت دموکراسی نفع می‌برند، و نارضایتی کاهش می‌یابد. یا دیدگاه مکرر نقل شده از وینستون چرچیل که دموکراسی گونه‌ای از حکومت است که کمترین بدی را دارد (کانینگهام: ۱۳۹۷: ۲۰).

در سیاست خارجی ترکیه نیز از سیاست برد-باخت به برد-برد در سیاست خارجی تغییر یافت. این پیشرفت همچنین با بسیاری از اصلاحات مورد نظر اتحادیه اروپا برای افزایش نقش جامعه مدنی و کاهش نقش نظامیان در فرایند تعریف امنیت ملی همراه بوده است. در این روند امنیت زدایی، انزوای قدرت‌هایی چون ارتش در مورد موضوعات مربوط به سیاست خارجی مدنظر بوده است. ارتش در گفتمان عمومی سیاست خارجی در دهه اول هزاره جدید کمتر قابل ردیابی است (برزگر، مفیدی: ۱۳۹۳: ۱۰).

در حال حاضر، حزب عدالت و توسعه به عنوان یکی از طرفداران عضویت در اتحادیه اروپا شناخته می‌شود. در حالیکه حزب حرکت ملی^۸، به عنوان حزب راست‌گرا و محافظه کار مخالف عضویت در اتحادیه اروپا می‌باشد. با این حال، بررسی‌های میدانی از طرفداران حزب حرکت ملی نشان داد که حمایت از عضویت به میزان بالایی یعنی ۶۸٪ وجود داشته است (Kirisci, 2005: 1). رجب طیب اردوغان در راستای تعهد ترکیه به فرایند پذیرش، سال ۲۰۱۴ را «سال اتحادیه اروپا» اعلام کرد. در سپتامبر ۲۰۱۴، این کشور اتخاذ برنامه «استراتژی اتحادیه اروپا» با هدف تقویت بیشتر روند پذیرش را اعلام کرد. این استراتژی شامل سه بخش می‌باشد؛ اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی (Turkey progress report, 2014: 2).

حزب عدالت و توسعه اصلاحات و کاهش نقش در سیاست و جایگزینی مسئولیت‌های پیشین ارتش را جزئی از فرایند نزدیکی ترکیه به اتحادیه اروپا در نظر می‌گیرد. روند پذیرش در اتحادیه اروپا دامنه‌ای از شاخص‌های سیاسی (ثبات نهادهای تضمین کننده دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر، و حمایت از گروه‌های اقلیت، حوزه قضایی)، اقتصادی (حمایت از ساز و کارهای اقتصاد بازار)، و توانایی تطبیق با الزامات پذیرش^۹، را در برمی‌گیرد (Cagaptay, 2003: 3).

تجدیدنظر و اصلاح روابط با قبرس در راستای مفاد هشت گانه اعلام شده در سال ۲۰۰۶ شورا، تصویب قانون پارلمان ترکیه در مورد مصالحه در موضوع کردها در ژوئن ۲۰۱۳، همکاری بیشتر و سیستماتیک با کمیسیون و سایر نهادهای مرتبط همانند شورای اروپا، و کمیسیون ونیز^{۱۰} از موارد ذکر شده اصلاحی می‌باشد (Turkey progress report, 2014: 3-4). در سال ۲۰۰۹، در راستای انطباق با قواعد قضایی اتحادیه اروپا، ضوابط قضایی که منجر به محاکمه افراد غیرنظامی در دادگاه‌های نظامی می‌شد، از قانون اساسی ترکیه حذف شد (Muftuler, 2016: 14). اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در چارچوب کلی روابط ترکیه و اتحادیه اروپا عمدتاً در فرایند عضویت، شامل اقدامات و مراحل متعددی می‌باشد که ترکیه ملزم به طرح ریزی و اجرای آن‌ها بوده است؛ ۱- اجرایی شدن اولین بسته هماهنگ‌سازی، در ۱۹ فوریه ۲۰۰۲. شامل اصلاحات در حوزه مجموعه حقوق کیفری، قانون مبارزه با تروریسم، قانون اصلاح دادگاه‌های امنیتی، قانون گسترش آزادی بیان و آزادی اقلیت‌ها، کاهش زمان بازداشت، توجه به حقوق زندانیان، کاهش مجازات توهین به هویت ترکی، نهادهای ترکیه و جمهوریت از ۶ سال به ۳ سال.

۲- اجرایی شدن دومین بسته هماهنگ‌سازی، در ۹ آوریل ۲۰۰۲. شامل اصلاحات در حوزه آزادی بیان، قانون

8 Millietcy Haraket Partisi MHP

9 Acquis Communautaire

10 Venice Commission

احزاب سیاسی، قانون انجمن ها، قانون نشست ها و تظاهرات اعتراضی، قانون دادگاه ها و اقدام سازمان ها، و قانون ژاندارمری و نهادهای استانی.

۳- اجرایی شدن سومین بسته هماهنگ سازی، در ۹ آگوست ۲۰۰۲. شامل اصلاحات در حوزه حذف مجازات اعدام، ایجاد شرایط محاکمه مجدد و تجدیدنظر، گسترش بیشتر آزادی بیان، قوانین مرتبط با فرهنگ ها و اقلیت ها، قانون مناطق آزاد، قانون انجمن ها و اجتماعات، قانون مطبوعات، قانون جزا، قانون رادیو و تلویزیون، قانون تدریس زبان های خارجی، قانون پلیس، و اصلاحات قانون اساسی.

۴- اجرایی شدن چهارمین بسته هماهنگ سازی، در ۱۱ ژانویه ۲۰۰۳. شامل اصلاحات در حوزه گسترش آزادی انجمن ها و گروه ها، ممنوعیت شکنجه و بدرفتاری، قوانین مرتبط با حقوق زندانیان، قانون تعقیب قضایی کارمندان دولت و کارمندان عمومی، قانون انجمن ها و اجتماعات، قانون مطبوعات، قانون مجازات و جزا، قانون دادگاه های امنیتی، قانون حقوق بشر، قانون مالیاتی، قانون احزاب سیاسی و آزادی بیان، قانون دادخواست و سوابق جنایی، قانون موسسات و اصلاحات قانون اساسی.

۵- اجرایی شدن پنجمین بسته هماهنگ سازی، در ۴ فوریه ۲۰۰۳. شامل اصلاحات در حوزه آزادی گروه ها و انجمن ها، تجدیدنظر حکم دادگاه ها، روندهای جنایی، روندهای مدنی، بر اساس دادگاه قانون اساسی اروپا.

۶- اجرایی شدن ششمین بسته هماهنگ سازی، در ۱۹ فوریه ۲۰۰۳. شامل اصلاحات در حوزه گسترش آزادی بیان حقوق زندانیان، حق زندگی و تجدیدنظر حکم دادگاه ها، مبارزه با تروریسم، انتخابات و انتخابات دیجیتال، رسانه های شنیداری و دیداری مستقل، قانون سینما، قانون اجماع، قانون جزا، قانون دادگاه های حکومتی.

۷- اجرایی شدن هفتمین بسته هماهنگ سازی، در ۷ آگوست ۲۰۰۳. شامل اصلاحات در حوزه گسترش بیشتر آزادی بیان، آزادی انجمن ها، حقوق زندانیان، آزادی های مذهبی، حقوق کودکان، حوزه های فرهنگی، دستورالعمل اجرایی روابط نظامیان-غیرنظامیان، ادامه تجدیدنظر حکم دادگاه ها، روندهای جنایی، مبارزه با تروریسم، شرایط محاکمه و روند دادگاه های نظامی، قانون دیوان محاسبات، شرایط محاکمه و روند دادگاه های اطفال و نوجوانان، قانون تجمعات و تظاهرات، آموزش زبان های خارجی، قانون شورای امنیت ملی و دبیرکل شورای امنیت ملی (Mahallesi, ۲۰۰۷: ۴).

در آگوست ۲۰۰۸، هفتمین بسته اصلاحی اتحادیه اروپا با اولویت کاهش نقش ارتش در سیاست در ترکیه اجرایی شد. این قانون در ادامه شش بسته اصلاحی قبل (شروع از فوریه ۲۰۰۲)، در ۴ آگوست به تایید حزب حاکم عدالت و توسعه و قوه قضاییه این کشور رسید. مجموع این اقدامات اصلاحی، عمیقاً سیستم سیاسی کشور، وضعیت کردها، حذف مجازات اعدام، و تطبیق قوه قضاییه ترکیه با سیستم حقوق بشر اتحادیه اروپا، را اصلاح کرده و دگرگون ساخت. این بسته اصلاحی، ابزارهای ساختاری نفوذ ارتش در سیستم سیاسی را مورد هدف قرار داد، که شامل موارد ذیل می باشد:

- حذف قدرت اجرایی و مسئولیت های شورای امنیت ملی^{۱۱} (NSC). در گذشته این شورا توسط ارتش هدایت می شد و اختیار کامل تعیین دکترین امنیت ملی و سیاست خارجی و انتقال آن به دولت برای اجرایی شدن را بر عهده داشت.

- افزایش نقش غیر نظامیان در شورای امنیت ملی. پست دبیرکل در شورای امنیت ملی در اختیار یک ژنرال نظامی بود که اکنون می تواند توسط یک فرد غیرنظامی منصوب شده توسط رییس جمهور (از لیست افراد ارائه شده بوسیله نخست وزیر) اداره شود.

11 National Security Council (NSC), (Ulusal Guvenlic Konseyi)

-شرایط شورای امنیت ملی در حوزه اختیارات اجرایی. قبلا تشکیل جلسات این شورا به صورت ماهانه بود و تصمیم‌گیری مستقیما به کابینه ارجاع می‌شد، ولی در حال حاضر شورای امنیت ملی هر دو ماه تشکیل جلسه داده و به نخست وزیر گزارش می‌دهد. همچنین هزینه‌های حوزه نظامی که قبلا از دید عموم مخفی بود، زیر نظارت اداره حسابداری قرار گرفت (۱-۲: ۲۰۰۳، Cagaptay).

۸- اجرایی شدن هشتمین بسته هماهنگ سازی، در ۱۴ جولای ۲۰۰۴. شامل اصلاحات در حوزه حذف مجازات اعدام و جایگزینی آن با حبس ابد، قانون آموزش عالی و تغییر شرایط انتخاب اعضای شورای آموزش عالی، ادامه اصلاح قانون رادیو-تلویزیون.

۹- اجرایی شدن نهمین بسته هماهنگ‌سازی، در ۱۲ آوریل ۲۰۰۶. شامل اصلاحات در حوزه پیشنهادی قانونگذاری و توافقات بین‌المللی مرتبط با پارلمان ترکیه، تعریف قوانین لازم برای پارلمان و اقدامات اجرایی، قانون سازمان حسابرسی، روندهای قانونی اجرایی، اصلاحات حضور احزاب در پارلمان، قانون انتخابات و دادگاه‌های نظامی (Mahallesi, ۲۰۰۷).

بعد از ۲۰۰۷، نهادهایی همانند ارتش و سیستم قضایی با تغییرات گسترده‌ای مواجه شدند، و به تبع آن، به مخالفت با اصلاحات برخاستند. در واقع، تنش‌های سیاسی بین گروه‌های مختلف داخلی در راستای اصلاحات مدنظر اتحادیه اروپا گسترش یافت. ذینفع اصلی این شرایط حزب عدالت و توسعه بود. در نتیجه این نهادها شروع به مقابله با نفوذ سیاسی این حزب کردند. این موضوع منجر به شکایت حزب عدالت و توسعه از افسران نظامی ارگنکین و بالیوز^{۱۳} در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ در دادگاه شد (۱۶: ۲۰۱۶، Muftuler).

سال ۲۰۱۱، کمیسیون اروپا و شورای اروپا ارزیابی سالانه خود در ارتباط با روند پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا را اعلام کردند. با در نظر گرفتن اقتصاد پویای ترکیه، نقش مهم منطقه‌ای در سیاست خارجی اتحادیه اروپا، امنیت انرژی، و غیره، گزارش اتحادیه اروپا اشاره کرد که ترکیه در اصلاح حوزه‌هایی مثل روابط نظامیان- غیرنظامیان، خدمات مالی، سیاست‌های رقابتی، حقوق اقلیت‌های مذهبی-فرهنگی، و حوزه قضایی پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است (Morelli, ۲۰۱۳: ۱۲). جزییات برخی از اصلاحات شامل موارد ذیل بود:

اصلاحات سیاسی، اجتماعی:

- حاکمیت قانون
- اصلاح سیستم قضایی
- کاهش حمایت مالی از احزاب سیاسی
- افزایش فعالیت‌های سیاسی سایر افراد و گروه‌های اقلیت قومی-زبانی
- توجه ویژه به موضوع حقوق بشر با همکاری دادگاه حقوق بشر اتحادیه اروپا
- اصلاحات در حوزه دادگاه قانون اساسی
- حل مشکل گروه‌های کرد
- مبارزه با فساد
- حضور بیشتر افراد غیرنظامی در حوزه‌های امنیتی و دولت
- آزادی بیان

اصلاحات اقتصادی:

- سازگاری با ساختارهای اقتصاد بازار

- توانایی کنترل شرایط رقابتی و فشار نیروهای بازار
- انجام اصلاحات ساختاری (نرخ بهره، کسری بودجه، ایجاد اشتغال، سیستم پولی-مالی، شفافیت)
- خصوصی سازی بخش های اقتصادی

سیاست خارجی:

- ایفای نقش موثر در بحران سوریه
- حمایت از بیش از ۱ میلیون پناهنجوی سوری
- نقش موثر در بحران هسته‌ای ایران
- سرمایه گذاری و نقش موثر در امنیت انرژی اتحادیه اروپا
- نقش سازنده در مناطق خاورمیانه و آسیای مرکزی
- مقابله تسلیحات کشتار جمعی، تروریسم و جرایم سازمان یافته
- همکاری‌های نظامی با اتحادیه اروپا و مشارکت در ماموریت‌های برون مرزی این اتحادیه
- ادامه مذاکرات و همکاری با قبرس و یونان (Turkey progress report, ۲۰۱۴: ۴-۶).

وضعیت ارتش در ترکیه و نقش اتحادیه اروپا در کاهش نقش نظامیان در اداره و سیاست کشور؛

ترکیه همواره به عنوان کشوری که نظامیان بر امور سیاسی آن مسلط هستند، شناخته شده است. به نحوی که از سال تأسیس آن در ۱۹۲۳ تاکنون با حضور شش رئیس جمهور نظامی به مدت بیش از ۵۶ سال اداره گردیده است. علاوه بر این حتی در دوره هایی که حکومت به طور مستقیم در دست نظامیان نبوده است نیز آنان همواره در پشت تصمیم گیری های سیاسی حضور داشته‌اند. از عواملی که این حضور مستقیم و یا تأثیر غیرمستقیم را باعث گردیده‌اند می توان به نقش تاریخی ارتش در ترکیه چه در دوره عثمانی و چه تشکیل جمهوری، ضعف ساختارها و نهادهای دموکراتیک دیگر به جز ارتش و متقابلاً توانایی، سازماندهی و نقشی که ارتش پس از جمهوری در راستای نوسازی این کشور ایفا نمود، را نام برد.

بروز بحران‌های سیاسی و اقتصادی، استقلال سیاسی و حقوقی ارتش، بحران استقلال طلبی و جنگ مسلحانه اکراد علیه دولت و همچنین اقدامات اسلام گرایان و تلاشهای دولت جهت مقابله با آنان، بهانه‌های لازم برای دخالت هرچه بیشتر ارتش در امور سیاسی را فراهم نموده بود. نهایتاً به لحاظ بین‌المللی، نقش ترکیه در دوره جنگ سرد و عضویت در ناتو در برابر اتحاد جماهیر شوروی سابق و همچنین وجود روابط متشنج با همسایگان از عوامل فزاینده نقش سیاسی ارتش بودند. با گذشت زمان و ارتقای اوزال به ریاست جمهوری در دهه ۱۹۸۰ آغاز کاهش نقش ارتش در سیاست بود. با تداوم اصلاحات اوزال توسط حزب عدالت و توسعه، نوع ایستار و نگرش ارتش به جامعه مدنی و اصول و ارزشهای کمالیزم دچار تحول، تکمیل و نهادینه شد. تقلیل حضور نظامیان در صحنه سیاسی - اجتماعی موجب گسترش روابط ترکیه و اتحادیه اروپا در فرایند عضویت شده است. (پارسایی: ۱۳۹۵: ۸-۹).

در این راستا، نقش ارتش در سیاست های ترکیه، مهمترین موضوع در فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بوده است. کنترل دموکراتیک بر ارتش ترکیه در مرکز توجهات در برنامه‌های اتحادیه اروپا می باشد. با هدف دستیابی به این هدف مهم، اصلاحاتی عمیق در جریان بوده است. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، قدرت ارتش دیرترکیه به میزان قابل توجهی کاهش یافت. در وضعیت موسوم به ارگنکن^{۱۳}، تعداد افسرها و

جنرال‌های بازنشسته و یا دستگیر شده افزایش یافت. بعد از کاندید شدن ترکیه در اتحادیه اروپا، مهمترین انتقاد به در گزارش‌های سالانه پیشرفت، موضوع کنترل دموکراتیک بر ارتش بوده است (۲-۳: ۲۰۰۸، Yildrum). در راستای رسیدن به این هدف بزرگ، فرایند اصلاحی دموکراتیک برای کنترل دموکراتیک ادامه داشته است. تحت حکمرانی حزب عدالت و توسعه، قدرت ارتش در سیاست به طور اساسی کاهش یافته است. (۲۰۰۳: ۱)

تنظیم روابط نظامیان-غیرنظامیان موضوع مهمی برای اتحادیه اروپا در برنامه‌های دموکراتیک سازی باهدف تغییر الگوهای داخلی قدرت در ترکیه بوده است. اصلاح روابط نظامیان-غیرنظامیان بر اساس استانداردهای اتحادیه اروپا به میزان قابل توجهی فضای سیاست در ترکیه را بازتر می‌کند (Ulusoy, ۲۰۰۸: ۱۳). تغییرات، محدوده‌ای از آزادی بیان، تا حذف مجازات اعدام را در بر می‌گرفت. از مهمترین و اصلی‌ترین بخش‌های اصلاحات، ساختار دوباره و تعدیل روابط نظامیان-غیر نظامیان با هدف فاصله گرفتن ارتش از نقش سنتی خود و دخالت در سیاست بوده است (Alessandri, ۲۰۱۱: ۳).

چارچوب اصلاحات شامل حق پخش رادیو-تلویزیونی به زبان مادری، آزادی تجمع، محدود کردن تاثیر نظامیان بر قوه قضاییه، کنترل بیشتر غیرنظامیان بر ارتش، حذف عضویت اعضای نظامی شورای عالی رادیو-تلویزیون و شورای آموزش عالی، حذف اعضای نظامی از دادگاه امنیت کشور و در نهایت، لغو این دادگاه‌ها، گسترش حقوق مدنی اقلیت‌های به رسمیت شناخته شده (ارمنه، یهودیان، یونانیان)، اصلاح قانون مجازات، لغو مجازات اعدام، آزادی زندانیان سیاسی، لغو شکنجه به وسیله نیروهای امنیتی و حمایت بیشتر از مطبوعات، می‌باشند. (برزگر، احمدی: ۱۳۹۳: ۱۶).

از مهمترین اصلاحات خواسته شده در شاخص‌های کپنهاگن، پخش رسانه‌ای به زبان اقلیت‌های حاضر در ترکیه و تغییر رویکرد سنتی ارتش مبنی بر دخالت در سیاست بود. این اقدامات به شدت از طرف موافقان حفظ وضع موجود مورد انتقاد قرار گرفت. در همین حال، بهبود وضع اقتصادی در کنار اصلاحات سیاسی، به نقطه قوت دولت تبدیل شد. (Kirisci, ۲۰۰۵: ۵-۶)

مطابق با بسته‌های اصلاحات معیارهای کپنهاگ، ترکیب و عملکرد شورای امنیت ملی را تغییر داده شد. با فرایند یکسان سازی قوانین ترکیه با معیارهای اتحادیه اروپا، شورای امنیت ملی ترکیب و وزن خود را در سیاست‌گذاری ترکیه از دست داده است. تا پیش از این اصلاحات، این شورا نقشی کلیدی در تعیین سیاست امنیتی ترکیه در مسائلی چون قبرس، روابط با یونان، شمال عراق، سوریه و اسرائیل بر عهده داشت. تصمیم ترکیه برای مخالفت با حمایت از نیروهای ائتلاف در حمله به عراق علاوه بر این که نشانه تضعیف قدرت نظامیان طرفدار آمریکا بود، نشانه انتخاب سیاست خارجی بیشتر متکی بر گفتگو و دیپلماسی در سیاست جهانی بود. (برزگر، احمدی: ۱۳۹۳: ۱۲). در واقع، نقش ارتش از طریق بازتعریف دوباره در شورای امنیت ملی تغییر یافت (Kirisci, ۲۰۰۵: ۸).

ارتش تن به این اصلاحات داده است، به علاوه، در برابر رفع تدریجی «قانون حاکمیت اضطراری»، در مناطق جنوب شرقی ترکیه، که از سال ۱۹۸۷ و برای مقابله با حزب کارگران کردستان^{۱۴} و گروه‌های جدایی طلب وضع شده بود، ارتش مخالفت نکرد. در ژانویه ۲۰۰۴، ارتش موافقت خود با آغاز مذاکرات در مورد قبرس را اعلام کرد. برای ارتش، موضوع عضویت در اتحادیه اروپا پیچیده بوده است. به طور سنتی، همواره میراث مدرنیته آتاتورک به معنای غرب‌گرایی و نزدیکی به غرب شناخته شده است. بنابراین پیوستن به اتحادیه اروپا

به عنوان ادامه گفتمان قبلی در نظر گرفته می شود. با این حال، بویوک آنیت^{۱۵}، فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح در یک کنفرانس بین‌المللی در استانبول بیان داشت که؛ «من یکبار دیگر اعلام می کنم که نیروهای مسلح ترکیه در مورد پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا با توجه به موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خود، و هدف مدرن سازی ترکیه به عنوان میراث آتاتورک، نمی توانند مقاومت کنند» (Kirisci, 2005: 12). اتحادیه اروپا به نام دموکراسی خواهان حذف ارتش به عنوان حافظ سنتی سکولاریسم از بخش‌های مختلف ترکیه بوده است. با این حال پارادوکس مدرنیته-مذهب و شکاف بین فرهنگ کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ترکیه مشهود بوده است (Kylstad, 2010: 20).

نتیجه گیری

پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا از اصلی‌ترین مسائل در سیاست خارجی ترکیه و یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در حوزه سیاست خارجی اروپا و خود ترکیه بوده است. تحت فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، مذاکرات پذیرش و بسته‌های مختلف اصلاحی، قانونگذاری و اقدامات مختلف اقتصادی و سیاسی هرچند ادامه دارد، ولی با موانع بسیار همراه بوده است. ارتش، حزب عدالت و توسعه، و مشارکت در حال افزایش سازمان‌های غیردولتی در فرایندهای سیاسی ترکیه به عنوان عوامل داخلی تاثیرگذار بر این فرایند بوده‌اند. نقش کنونی ارتش در سیاست‌های ترکیه به عنوان مهمترین بخش از روند عضویت در اتحادیه اروپا بوده است. ارتش که خود را حافظ جمهوری و اصول آن در ترکیه می‌داند، در تقابل کامل با اصول اتحادیه اروپا در مخالفت با دخالت نظامیان در سیاست بوده است، و به معمای پیچیده‌ای در روابط دوجانبه ترکیه-اتحادیه اروپا بدل شده است. بر این مبنای، در فرایند عضویت ترکیه، اتحادیه اروپا به شدت دنبال اصلاح روابط نظامیان با غیرنظامیان، و کنترل غیرنظامیان بر نهادهای نظامی در ترکیه بوده است، و کنترل دموکراتیک بر ارتش ترکیه در مرکز توجهات برنامه‌های اتحادیه اروپا می باشد. با هدف دستیابی به این هدف مهم، اصلاحاتی عمیق در جریان بوده است. در سیاست خارجی ترکیه نیز از سیاست برد-باخت به برد-برد در سیاست خارجی تغییر یافت. این پیشرفت همچنین با بسیاری از اصلاحات مورد نظر اتحادیه اروپا برای افزایش نقش جامعه مدنی و کاهش نقش نظامیان در فرایند تعریف امنیت ملی همراه بوده است. ارتش در گفتمان عمومی سیاست خارجی در دهه اول هزاره جدید کمتر قابل ردیابی است. در این شرایط، اتحادیه اروپا به عنوان مرکز کنترل اصلاحات اقتصادی و سیاسی در ترکیه مورد تاکید قرار گرفت. همکاری‌ها و مذاکرات در تعدادی از زمینه‌های مشترک در برنامه‌های مختلف اتحادیه اروپا، با وجود چالش‌های فراوان، وجود داشته است.

در دهه ابتدایی قرن بیست و یکم با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، روند اصلاحات مدنظر اروپا با سرعت و جدیت بیشتری دنبال شد، و تحولات درونی ترکیه نیز در حوزه سیاسی و اقتصادی سیاست خارجی این کشور را نیز بی تاثیر نگذاشته است. این حزب اصلاحات و کاهش نقش در سیاست و جایگزینی مسئولیت‌های پیشین ارتش را جزئی از فرایند نزدیکی ترکیه با اتحادیه اروپا و انطباق با برنامه‌های این اتحادیه در نظر گرفت. این مقاله به بررسی این موضوع پرداخت که فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا در دوران حزب عدالت و توسعه چه تأثیری در نقش ارتش در ترکیه داشته است، و اعتقاد دارد، در فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا در دوره زمامداری حزب عدالت و توسعه، قدرت ارتش در ترکیه به میزان قابل توجهی کاهش یافته است.

منابع

۱. ابوالحسنی، علی محمد. (۱۳۹۳). نظریه‌های نهادی. پژوهشکده باقرالعلوم. قابل دسترسی در: http://pajoohe.ir/%D9%86%D8%B8%D8%B1%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%86%D9%87%D8%A7%D8%AF%DB%8C-Institutional-Theories__a-46385.aspx
۲. برزگر، کیهان، مفیدی احمدی، حسن. (۱۳۹۴). تأثیرپذیری سیاست خارجی ترکیه از روند اروپایی‌شدن. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۸(۴)، ۵۹۱-۶۱۰.
۳. پارسایی، سید مهدی (۱۳۹۵). بررسی روابط اتحادیه اروپا و ترکیه، فصلنامه سیاست-سال سوم شماره ۱۰.
۴. رسولی، رضا، بایوردی، اسماعیل، دلیر، مالک. (۱۳۹۲). سیاست‌های توسعه منطقه‌ای ترکیه در فرآیند انطباق با اتحادیه اروپا. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، ۶(۲۱)، ۱۳۹-۱۶۴.
۵. رضائی، عباس، میرفردی، اصغر. (۱۳۹۳). تبیین نهادگرایی و گرایش آن به توسعه؛ مجله اقتصادی؛ خرداد و تیر؛ شماره ۳ و ۴.
۶. روزنامه اعتماد. (۱۳۹۳). نهادگرایی چیست؟ شماره ۳۱۴۸-۱۳۹۳ سه شنبه ۱۶ دی. قابل دسترسی در: <http://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/4843>
۷. کوهکن، علیرضا، فلاحی برزکی، مهرداد. (۱۳۹۸). کاربرد تئوری نهادگرایی نتولیرال در روابط اتحادیه اروپا و چین در زمان ریاست جمهوری بوش پسر و باراک اوباما. سیاست و روابط بین الملل، ۳(۶)، ۲۶۳-۲۷۹.
۸. کانینگهام، فرانک. (۱۳۹۷). نظریه‌های دموکراسی، مقدمه‌ای انتقادی بر نظریه‌های متاخر دموکراسی، ترجمه سعید خاوری نژاد، چاپ اول، انتشارات دنیای اقتصاد، تهران، ایران.
۹. محلوچی، جواد. مسعودنیا، حسین. شهرام نیا، مسعود. (۱۴۰۰). نظریه نهادگرایی تاریخی به مثابه چارچوبی برای تحلیل روابط دولت و مجلس در جمهوری اسلامی ایران، -دوفصلنامه علمی "پژوهش سیاست نظری"، پاییز و زمستان، ۳۰(۱۶)، ۹۹-۱۲۵.
۱۰. مشهدی احمد، محمود. (۱۳۹۲). معنا و مفهوم نهاد در اقتصاد نهادگرا نگاهی به اختلافات موجود بین نهادگرایی قدیم و جدید و نقش نهادها در مناسبات اقتصادی. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۳(۴۸)، ۴۹-۷۷.
11. Alessandri, Emiliano (2011), Turkey's future reforms and the European Union -volume10, number1.
12. Cagaptay, Door Soner, (2003), European Union reforms miminish the role of the Turkish Military: Ankara knocking on Brussel.
13. Kirisci, Kemal. (2005), Turkey and the European Union: The Domestic Politics of Negotiating Pre-Accession.
14. Kylstad, Ingrid, (2010), Turkey and the EU: a new European identity in the making? -LSE Europe question discussion paper series-LEQS paper no.27.
15. Muftuler, Meltem (2016), Judicial reform in turkey and the EU political conditionality: mis fit between domestic preferences and EU demands, bac-no18, working paper series.
16. Mahallesi, Mustafa Kemal, (2007), Political reforms in turkey-republic of turkey ministry of foreign affairs, secretariat general for EU affairs -no4.
17. Morelli, Vincent (2013), European Union enlargement: a status report on turkey accession negotiations-congressional research service, section research manager.
18. Ulusoy, Kivanc. (2008), Turkey and the EU: democratization, civil-military relations, and the the Cyprus issue- insight turkey-vol10/no4.
19. Yildrum, Cagry, (2008), The Role of Military in Turkish Politics and the European Union Membership -research assiantat of international relation and EU.